

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان
دوره دوم، شماره سی‌ام و سی‌ویکم
پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صص ۲۶۸ - ۲۴۵

مدرنیته و خانواده‌تهرانی

دکتر علی شکوری* - دکتر تقی آزاد ارمکی**

چکیده

بررسی ارتباط بین مدرنیته و تحولات خانواده به‌طور کلی و بررسی نحوه و نوع تغییرات در درون خانواده‌تهرانی به‌طور اخص، هدف اصلی این مقاله است. با بهره‌گیری از نظریه کارکردگرایی-ساختی پارسونز و نظریه تغییرات فرهنگی (ارزشی) اینگلهارت، طی یک مطالعه تجربی (روش میدانی) در سطح تهران طی سه نسل، تحولات نهاد خانواده مورد کاوش قرار گرفته است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که: اولاً، خانواده‌تهرانی در جریان تغییرات اساسی قرار دارد؛ ثانیاً؛ نسلهای سه‌گانه در درون خانواده، ضمن اینکه به لحاظ وضعیت تحصیلی، شغلی و آرزوها متفاوت می‌باشند، تغییرات انجام شده در بعضی از عناصر ساختی خانواده در سه نسل با حرکت از ارزشهای مادی به سمت فرامادی صورت گرفته است. این تحقیق نتیجه می‌گیرد که جامعه مورد بررسی

* - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران

** - دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

جامعه‌ای مناسک‌گرا و مراسم‌گرا در حوزه مراسم، آداب و مجالس جشن و شادی می‌باشد و خانواده در فرایند نوگرایی متأثر از نوگرایی جامعه وسیعتر قرار دارد و این خود مشخصه جدیدی را معرفی می‌کند که بیشتر تحت تأثیر انطباق‌پذیری تغییرات دوران جدید می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

تغییرات فرهنگی، آداب و رسوم، خانواده تهرانی، ارزشهای مادی و فرامادی، تحولات خانواده، نوگرایی (مدرنیسم).

مقدمه و طرح مسأله

گرایش به تغییر و تحول و ثبات و نظم جزء خصایص ذاتی و تداوم جوامع انسانی است به همین جهت توجه به تغییر و حفظ نظم و انسجام نظامهای اجتماعی، پیوسته یکی از دغدغه‌های عمده بشری بوده است. دلیل این امر از یک سو به علت این است که به قول استیفان واگو (۹) جوامع بشری با مسائلی روبه‌رو می‌شوند که هیچ راه‌حل دائم برای آنها وجود ندارد که این مقوله خود ضرورت تلاش برای انطباق محیط در حال تغییر را عنوان می‌کند و از سوی دیگر نیاز به انسجام و پیوستگی بین اجزای مختلف نظام اجتماعی را به پیش می‌کشد که اتخاذ سیاستهای حفظ وفاق کلیت جامعه را مطرح می‌نماید.

نهاد خانواده به‌عنوان مهمترین نهاد اجتماعی وسیله‌ای است برای پیوند اجتماعی و همچون سایر نهادهای اجتماعی، ترتیبات اساسی زندگی را که انسانها در کنش متقابل با یکدیگر پیدا می‌کنند و از طریق آنها زندگی در طول نسلها تداوم می‌یابد، فراهم می‌کند. همین‌طور خانواده یکی از نیروهای هنجاری جامعه تلقی می‌شود که تقویت آن امکان افزایش انسجام اجتماعی را به‌عنوان پیش‌شرط ضروری توسعه و سازندگی اجتماعی فراهم می‌کند. تحولات جوامع و به‌خصوص سرعت فزاینده این تغییرات و تأثیر این تغییرات در ساخت و کارکرد خانواده، آن را به قول گیدنز (۶) به صورت «مناقشه‌انگیزترین بحثهای سیاست مدرن» در آورده است، به‌طوری که مقولاتی چون

آینده خانواده، دوام و فروپاشی اشکال سنتی و حتی مدرن آن به مهمترین مشغله ذهنی علمای علوم اجتماعی مبدل شده است (۳؛ ۴؛ ۵؛ ۷).

این عنایت به خصوص امروزه به دلیل سرعت زیاد دگرگونیها در تمامی ابعاد خانواده بیش از گذشته افزایش یافته، به نظر می‌رسد نشانه‌هایی از اضمحلال این شکل دیرپای اجتماعات انسانی در اغلب جوامع مدرن کنونی متبلور شده است، به طوری که بر این اساس می‌توان صاحب‌نظران و پژوهشگران علوم اجتماعی را در طیفی گسترده از دیدگاههای مربوط به «تداوم و پایداری خانواده» تا «مرگ خانواده» طبقه‌بندی نمود (۳).

هر چند تحولات در همه جوامع یکسان نیست ولی به علت روند رو به گسترش ارتباطات جهانی، وسایل ارتباط جمعی، جهانی شدن و گرایش به یکسان‌سازی در بسیاری از پدیده‌های اجتماعی و روند مشابه تحولات با منابع تغییرات بالنسبه مشابه؛ به نظر می‌رسد دگرگونیهای مشابهی با شدت و ضعف‌های مختلف در بسیاری از جوامع وجود داشته باشد. همچنین با وجود تغییرات زیاد در بسیاری از زوایای خانواده و طرح بحث فروپاشی خانواده، هنوز حیات خانواده به عنوان یک واقعیت پابرجا در بسیاری از جوامع توسعه یافته و در حال توسعه مطرح است که پرداختن به موضوع خانواده را به منظور شناخت عوامل تضعیف بنیان خانواده و پیشگیری از پیامدهای منفی آن ضروری می‌سازد.

در ایران طی دهه‌های گذشته، تغییرات در شکل و کارکرد خانواده به طور عمده متأثر از عواملی چون ارتباط ایران با جامعه جهانی، اجرای برنامه‌های نوسازی چه در بعد اجتماعی - فرهنگی و چه در بعد اقتصادی از دوره قاجار به خصوص از آغاز سلطنت رضاشاه و همچنین گسترش شبکه ارتباطات جهانی موضوعی قابل بحث بوده است.

آنچه در کنار این عوامل گفتنی است وقوع انقلاب اسلامی می‌باشد که طی دو دهه اخیر تأثیرات بسیاری بر رخساره‌های زندگی اجتماعی از جمله خانواده و ازدواج گذاشته است. بدیهی است که تغییرات سریع از جمله انقلابها، ساختار موجود را از طریق از شکل‌انداختن ساختار کلیت اجتماعی تضعیف می‌کند و یا از بین می‌برد و به قول سوروکین «در طول دوره‌های انقلاب ساختار کلیت اجتماعی به طور ناگهانی ضعیف و بی‌شکل می‌شود و به تکه‌های ریز تقسیم می‌شود، مرزهای حیات اجتماعی ناگهان پدید می‌آید.» (14/P.234) به علاوه به نظر می‌رسد ماهیت انقلاب اسلامی و

آرمانهای آن نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت تحولات نهادهای اجتماعی از جمله خانواده داشته است.

اگر چه از عقیده برخی از صاحب‌نظران مسائل ایران مبنی بر اینکه انقلاب اسلامی در مقابل مدرنیسم و به عبارتی شبه‌مدرنیسم دوره شاه و سرعت زیاد فرایند نوسازی (مدرنیزاسیون) در بعد فرهنگی از جمله خانواده رخ داد (12) می‌توان این گونه نتیجه گرفت که پیامد انقلاب اسلامی دگرگونی در نظام ارزشی جامعه بوده است. در خصوص خانواده مهم است ذکر شود که تأکید انقلاب اسلامی بر تقویت و حفظ بنیاد خانواده و هنجارهایی بوده که بر ارزشهای اصیل و عام استوارند. به نظر می‌رسد این موضوع با روندهایی که اکنون در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته و یا در حال توسعه رخ می‌دهد متفاوت باشد. با توجه به مباحث فوق و با الهام از نظریه تغییرات فرهنگی رونالد اینگلهارت (۱۳۷۳) مبنی بر اینکه دگرگونیهای فرهنگی در درازمدت قابل درک هستند و غالباً از طریق جایگزینی نسلی صورت می‌گیرند، حداقل در بعد خانواده چهارگونه روند را با مشخصه نسبتاً متفاوت می‌توان مطرح کرد که در ماهیت تحول خانواده در ایران نقش عمده‌ای را بازی کرده‌اند:

نخست: دگرگونیهای ساختاری از قبیل تغییرات در ساختار اقتصادی - اجتماعی، گسترش شهرنشینی، گسترش آموزش و بهداشت و غیره که از زمانهای بسیار دور آغاز شده و تا کنون با شدت و ضعف ادامه دارد.

دوم: دگرگونیهایی است که در ورای این دگرگونیهای ساختاری رخ داده و به‌طور عمده متأثر از انقلاب اسلامی و مبتنی بر باورهای مذهبی است.

سوم: پایداری برخی از کارکردها و وظایف خانواده متأثر از عرف، آداب و سنن فرهنگی - اجتماعی است.

چهارم: پایداری برخی از کارکردهای ناشی از بقایای عناصر نظام اجتماعی - سنتی. با توجه به مباحث فوق، این مقاله در پی بررسی این موضوع است که بیند تغییرات خانواده در جامعه ایران به‌طور عمده در کدام زمینه از ساختار و کارکرد آن رخ داده است؟ با تمرکز بر شهر تهران و با بررسی سه نسل در پی آن است تا بیند آیا تفاوت بنیادی در میان نسلهای ذکر شده از این نظر دیده می‌شود یا خیر؟ اگر تفاوت وجود دارد میزان و نوع آن چگونه است؟

چارچوب نظری

دیدگاه‌های مختلفی نسبت به هستی و تغییر و تطور خانواده وجود دارد که تأکید ما در اینجا بیشتر بر رویکردهای کارکردی - ساختی (با تأکید بر نظریات پارسونز) و تغییرات فرهنگی (با تأکید بر نظریات اینگلهارت) می‌باشد.

پارسونز از صاحب‌نظران برجسته کارکردگرایی دو کارکرد اساسی و تقلیل‌ناپذیر را برای خانواده مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: ۱- اجتماعی کردن اولیه فرزندان، ۲- تثبیت شخصیت و هویت افراد در جامعه (3-11/P.332). به باور پارسونز شکل امروز خانواده یعنی خانواده هسته‌ای پایدارترین صورت آن محسوب می‌شود که در نتیجه دگرگونیهای ساختی در خانواده رخ داده است. این نوع خانواده سازگار با الزامات جامعه صنعتی است و مبنای چنین نظام خویشاوندی مبتنی بر اصل فردیت است. عامل بقای آن تفکیک نقشهاست که مبنای اجتماعی کردن کودک را تشکیل می‌دهد. مرد با نقش اقتصادی به خانواده امنیت، آسایش و پایگاه اجتماعی می‌دهد و زن نیازهای عاطفی و درونی اعضا را تأمین می‌کند و موجبات حفظ تعادل عاطفی را در فضای خانواده فراهم می‌سازد. تداخل این نقشها از بین رفتن زندگی خانوادگی را سبب خواهد شد (۸/ص ۳۰).

اساساً رویکرد کارکردگرایی، وجود بقای خانواده را وابسته به کارکردهایی می‌داند که به عهده دارد. تا مادامی که همه یا بخشهایی از نیازهای اولیه (مانند نیازهای عاطفی، تغذیه، نیازهای جنسی و پشتیبانی) را تأمین می‌کند، با وجود تغییرات و دگرگونیهایی که ممکن است در شکل و ساختار خانواده پدید آید همچنان برقرار خواهد ماند. بر اساس این دیدگاه می‌توان پذیرفت که در هر دوره و یا در هر جامعه‌ای متناسب با کارکردهایی که جامعه بر حسب نیازهای خود به خانواده محول می‌کند، خانواده نیز ضمن پایداری از لحاظ شکل و وظیفه جهت‌گیری خاصی پیدا می‌کند.

دیدگاه مکمل بیشتر از زوایای ساخت‌گرایی به موضوع مطرح شده است، بدین معنی که خانواده نیز مانند سایر اجزای نظام اجتماعی متناسب با اهداف جامعه شکل گرفته، به طوری که اولاً دگرگونی در هر یک از اجزای نظام اجتماعی، تغییرات متناسبی را در ساخت، ترکیب و وظایف خانواده پدید می‌آورد و ثانیاً، خود این نهاد نیز با تغییرات خود آثار متناسبی را بر اجزای دیگر و مجموعه آنها باقی می‌گذارد. با توجه به

اصول بنیادی ساخت‌گرایی، می‌توان گفت که خانواده نیز نظیر هر ساخت دیگری نمونه‌های فراوان دارد که فقط در مجموعه‌های اجتماعی خاص امکان بروز می‌یابد. به عبارتی الزامات هر نظام اجتماعی فقط برای ظهور و تکوین ساخت یا ساختهای خانوادگی خاص مناسب است که در سازگاری با این شرایط پدید می‌آیند و به تدریج همراه با دگرگونیهای الزامات نظام کل، این ساختها دگرگون می‌شوند و شکل‌های جدیدتری را می‌پذیرند.

برخی از صاحب‌نظران علوم اجتماعی به طور مشخص دگرگونی خانواده را بسان دیگر تغییرات در اجتماع در چارچوب فرایند نوسازی مورد بحث قرار داده‌اند و اظهار می‌دارند که نوسازی (مدرنیزاسیون) فرایندی تاریخی است که طی آن به سرعت نهادها، کارکردهای متنوع و متغیری را به واسطه افزایش بی‌سابقه انسان و مهار کردن نیروهای طبیعت، که همراه با انقلاب علمی است، می‌پذیرند (13). در این فرایند نقشها و نهادها متکثر می‌شوند و تفکیک می‌پذیرند. مجموعه ساختارهای تفکیک‌شده و تخصصی در کل همان کارکردهای اصلی (سنتی و اولیه) را در چارچوب جدید ولی به مراتب کارآتر از چارچوب سنتی ایفا می‌کنند. این فرایند در فروپاشی خانواده گسترده در جامعه‌های مدرن و پیدایش خانواده هسته‌ای بیش از سایر اجزای نظام اجتماعی قابل مشاهده است (10 & 15).

برخی از صاحب‌نظران موضوع دگرگونیهای اجتماعی و فرهنگی، به خصوص دگرگونیهای مربوط به خانواده را در چارچوب تغییرات نظام ارزشی مورد بحث قرار می‌دهند. برای مثال فوکویاما با توجه به زوال خانواده هسته‌ای در غرب می‌نویسد. تغییر در هنجار مربوط به خانواده ریشه در تغییر ارزش دارد و لذا در تغییرات گسترده‌تر فرهنگ تجسم می‌یابد (۳ / ص ۴۵).

اینگلهارت از صاحب‌نظران دیگری است که تغییرات ایجاد شده در جامعه را در نظام ارزشی (مادی به فرامادی) با توجه به عنصر نسلی تفسیر می‌نماید که خود سبک جدیدی را در تحلیل تحولات اجتماعی از جمله خانواده مطرح می‌کند. به عقیده وی گرایشهای فرهنگی تا حد زیادی بازتاب اجتماعی شدن عادات فرهنگی پایدار می‌باشند. جنبه‌های اصلی فرهنگ در برابر دگرگونیها ایستادگی می‌کنند. حتی در تحولات بنیادی

و پایدار در جامعه و بخشهای اصلی از طریق جایگزینی (نسلی) سهل‌الوصول‌تر هستند تا اینکه تغییر نسلی که اجتماعی شدن خود را قبلاً طی کرده‌اند (۲/ص ۱۹).

همانند خیلی از صاحب‌نظران وی معتقد است که «دگرگونیهای فرهنگی تدریجی است و آنان بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسلهای مختلف شکل داده است. از این رو ارزشهای مذهبی و سنتی در میان نسلهای جوانتر نفوذ داشته، با جانشینی نسلهای جوانتر به جای نسلهای بزرگتر، جهان‌بینی متداول نیز در این جوامع دگرگون شده است» (۲/ص ۲۰-۱۸). به همین سبب دگرگونیهای فرهنگی از جمله خانواده از موضوعاتی هستند که فقط در درازمدت قابل درک هستند. لذا برای بررسی نیز لازم است از طریق جایگزینی جمعیت یک نسل به جای نسل دیگر مدنظر قرار گیرند. شخص باید «این رخدادها را در طول دهه‌ها یا حتی سده مورد بررسی قرار دهد» (۲/ص ۲۰).

به نظر اینگلهارت تحولات فرهنگی زمانی روی می‌دهد که دگرگونیهای وسیعتر و به اندازه کافی در محیط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فنی صورت پذیرد. لیکن چنین تحولاتی به آرامی و معمولاً از طریق جامعه‌پذیری نسلهای جدید تحقق می‌یابد. به علاوه این تحولات (فرهنگی) «میل ذاتی به آن دارند که از دگرگونیهای محیطی که سبب بروز آن هستند عقب بمانند» (۲/ص ۱۲).

اینکه چه عاملی دگرگونیها را در بعد خانواده تعیین می‌کند به قول اینگلهارت (۲) و گیدنز (۶) بی‌معنی است. مهم آن است بدانیم که تحولات خانواده با دگرگونیهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و شدت و سرعت این دگرگونیها ارتباط نزدیک دارند. به نظر می‌رسد نوسازی جوامع نقش اساسی را در این فرایند بازی می‌کند.

با توجه به آنچه در بالا بحث شد موارد ذیل را می‌توان استنتاج نمود:

- خانواده به‌عنوان نهاد اساسی دارای کارکردهای بنیادی است، مادامی که این وظایف و کارکردها را به انجام می‌رساند شالوده آن حفظ خواهد شد.

- خانواده نظیر هر ساختی نمونه‌های زیادی دارد که در مجموعه‌های اجتماعی خاص با شناسنامه‌های مکانی در زمان خاص، امکان بروز می‌یابد. در عین حالی که با دگرگونی نظام کل اجتماعی دگرگون می‌شود خود آن آثار متناسبی را بر اجزای دیگر و مجموعه آن می‌گذارد.

- شکل غالب خانواده در جوامع کنونی و جهت گرایش آن با تفوق خانواده هسته‌ای است که کارآمدترین شکل خانواده در جوامع جدید است. تغییرات خانواده از شکل گسترده به شکل هسته‌ای در سازگاری با تحولات ساختی صورت گرفته است.

- تغییرات فرهنگی به طور کلی و تغییرات در خانواده به طور اخص متأثر از نظام ارزشی است که خود متأثر از تغییرات کلی و وسیعتری است که در جوامع رخ می‌دهد.

- تغییرات فرهنگی و از جمله خانواده و به خصوص جنبه‌های غیر مادی و مناسکی آن کند است که متناسب و همزمان با تغییرات محیطی تغییر می‌پذیرد ولی به لحاظ بطئی بودن دگرگونیها، این گونه تغییرات را از طریق بررسی نسلی می‌توان مورد کاوش قرار داد.

پیش فرض‌ها و فرضیه‌های تحقیق

پیش فرض نظری در بررسی خانواده مبتنی بر این باور است که قابلیت تغییرپذیری و میل به دگرگونی یکی از اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های خانواده در ایران به طور کلی و در تهران به طور اخص می‌باشد. نکته اساسی و تا حدی متناقض‌نما این است که خانواده در تهران با وجود تغییرپذیری‌اش در شکل و محتوا و کارکرد همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد و اجتماعی نمودن و هویت‌بخشی به آن را هنوز از دست نداده است.

سؤالی که در اینجا می‌توان مطرح کرد این است که با وجود تحولات رو به گسترش و همه‌جانبه در جامعه، خانواده و شبکه‌های پیرامون آن تا چه حد توانسته‌اند با بازتولید ارزش‌های حاکم بر خود، موجودیت خود را طی زمان مفروض (در این پژوهش سه نسل) تداوم ببخشند؟ در صورتی که ساختار قبلی خانواده دچار تغییر شده این تغییرات در چه سطح و اندازه‌ای صورت گرفته است؟

سؤالات بالا با توجه به مباحث نظری در قالب فرضیه‌های ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- پابندی به اجرای آداب و رسوم ازدواج و تشکیل خانواده طی سه نسل تغییر نکرده است.

- نسلهای جوانتر برعکس نسلهای گذشته که عمدتاً به رسم و رسومات به صورت واجب‌الاجرا می‌نگریستند، فقط به آن دسته از آداب و سنن و قواعد سنتی پابندی نشان می‌دهند که در تأمین نیازها و خواسته‌های مادی و غیر مادی آنها از کارایی بیشتری برخوردار باشند.

- وظایف سلسله‌مراتبی (نقش‌های حمایتی)، طی سه نسل در خانواده تداوم یافته است.

روش بررسی

در این بررسی از روشهای تحقیق اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل سه گروه ذیل می باشد:

الف - رؤسای خانواده‌های ساکن در هر یک از ۲۲ منطقه شهر تهران و همسران آنان با شرایطی چون داشتن حداقل ۴۵ و حداکثر ۷۰ سال برای سرپرست خانواده و دارا بودن حداقل یک فرزند متأهل و نیز مسلمان بودن.

ب - والدین رؤسای خانواده‌های مورد نظر و والدین همسران آنها (پدر و مادر شوهر و پدر و مادر زن).

ج - آخرین فرزندان متأهل خانواده‌های مورد نظر و همسران آنها (پسر، عروس، دختر و داماد).

در این پژوهش قسمت "الف" به نسل دوم، قسمت "ب" به نسل اول و قسمت "ج" به نسل سوم مربوط می‌شود.

با توجه به ویژگیهای مورد انتظار در جامعه آماری، انتخاب نمونه‌ها به روش چندمرحله‌ای، سهمیه‌ای و تصادفی نظام‌مند (سیستماتیک) انجام شد و با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه مورد مطالعه با توجه به جمعیت مناطق، تعداد بلوکهای مناطق، ۳۸۳ خانوار برآورد گردید.

با توجه به فرضیه‌های تحقیق، متغیرهای ذیل مورد بررسی قرار گرفتند:

الف - وضعیت اقتصادی و اجتماعی پاسخگوی سه نسل مورد بررسی، به‌عنوان متغیر مستقل با معرفت‌های تحصیلات، منشأ جغرافیایی، وضعیت مالکیت مسکونی، مستغلات و وضع اشتغال مورد پژوهش قرار گرفت.

ب - پابندی به آداب و رسوم و مراسم به‌عنوان متغیرهای وابسته مورد بررسی قرار گرفت. میزان پابندی به اجرای مراسم تولد اولین فرزند با معرفتهایی چون تهیه سیستمونی، مراسم حمام زایمان، نامگذاری کودک، ختنه‌سوران؛ مطالعه شد و پابندی به آداب و رسوم ازدواج با معرفتهایی چون چگونگی ملاقات با همسر قبل از عروسی، برگزاری مراسم حنابندان، نامزدی، بله‌بران، عقد و عروسی، داشتن مهریه و شیربها، رفتن به خرید عروسی، داشتن مراسم پاتختی و داشتن جهیزیه مورد واکاوی قرار گرفت.

در کنار موارد بالا، نظر پاسخگویان دربارهٔ رسوم ازدواج با هدف بررسی شکاف بین اجرای مراسم و دیدگاههای افراد نمونه به منظور بررسی جنبه‌های تغییرناپذیری و کندتغییری فرهنگ (در حیطهٔ نهاد ازدواج و خانواده) مورد پژوهش قرار گرفت. با توجه به ماهیت پژوهش و متغیرها، از درصد فراوانی‌ها و همبستگی کندال برای بررسی ارتباط و تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

۱- ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی جمعیت نمونه

توزیع فراوانی جمعیت مورد بررسی نشان می‌دهد که درصد متولدین مناطق شهری (در این پژوهش تهران) در میان سه نسل بیش از متولدین روستایی است. برای مثال، در نسل اول ۶۳ درصد، در نسل دوم ۶۷ درصد و در نسل سوم ۹۳ درصد از جمعیت نمونه، ساکنان شهر می‌باشند که گویای این واقعیت است که گرایش به شهرنشینی به‌مرور زمان به‌خصوص در تهران به دلایل مهاجرت (ناشی از ازدواج، مهاجرت برای یافتن کار و...) زیادتر شده است. با توجه به وجود درصد زیادی از افراد مهاجر در میان پاسخگویان می‌توان گفت این گروه زمینهٔ مساعدی را برای انتقال ویژگیهای رفتاری و اعتقادی روستایی و شهرستانی در خصوص رعایت آداب و سنن مربوط به خانواده را در شهر تهران فراهم ساخته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعداد افراد باسواد میان افراد نسل جوانتر افزایش یافته است. در میان افراد نمونهٔ نسل اول، بیش از ۶۰ درصد مردان و بیش از ۷۶ درصد زنان بیسواد هستند. بیشترین درصد باسوادان در هر جنس مربوط به سواد ابتدایی است که ۳۴/۲ درصد مردان ۲۲/۴ درصد زنان را شامل می‌شود. و فقط کمتر از ۶ درصد مردان و کمتر از ۳ درصد زنان دارای سواد سیکل اول متوسطه و یا بالاتر می‌باشند (جدول ۱).

داده‌های آماری نشان می‌دهد که تعداد بیسوادان در بین افراد نسل دوم تا حد قابل توجهی کاسته شده و به ۲۳/۷ درصد برای مردان و ۳۷/۳ درصد برای زنان رسیده است. بیشترین درصد باسوادان این نسل دارای سواد ابتدایی (۴۹ درصد برای مردان، ۴۲ درصد برای زنان) می‌باشند و نسبت به نسل اول درصد افراد دارای سیکل اول

متوسطه و بالاتر افزایش یافته است، ولی تحصیلات عالی هنوز درصد ناچیزی از جمعیت نمونه را تشکیل می‌دهد.

جدول ۱- توزیع افراد نمونه بر حسب ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی و نسل

نسل سوم		نسل دوم		نسل اول		نسل ویژگیها
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	
محل سکونت:						
۵/۶۶	۸/۴	۳۱/۹	۳۴/۵	۳۳/۷	۳۸/۱	روستا
۹۴/۳	۹۱/۶	۶۷/۹	۶۵/۵	۶۴/۵	۶۱/۴	شهر
سواد:						
۲/۳	۰/۸	۳۷/۳	۳۲/۷	۷۶/۹	۶۰/۵	بیسواد
۷/۵	۷/۵	۴۲/۰	۴۷/۹	۲۲/۴	۳۴/۲	سواد ابتدایی
۲۴/۴	۳۲/۷	۱۲/۴	۱۵/۸	۱/۶	۲/۱	اول متوسطه
۴۷/۷	۳۴/۲	۸/۳	۱/۷	۸/۰	۱/۴	دیپلم
۱۷/۳	۲۵/۶	۰/۰	۲/۰	۰/۰	۱/۸	تحصیلات عالی
شغل:						
۸۳/۰	۰/۵	۹۰/۷	۹/۹	۹۷/۴	۱/۱	غیرشاغل
۱۲/۳	۳۷/۱	۵/۷	۴۷/۱	۰/۱	۱۵/۹	کارمندان رده پایین و متوسط
۳/۳	۱۶/۵	۱/۳	۱۲/۰	۱/۳	۱۵/۴	مشاغل خردپا و کاریگری
۱/۵	۱۱/۹	۰/۷	۱/۸	۰/۰	۷/۲	کارکنان عالی رتبه اداری و نظامی
۰/۰	۲۷/۸	۱/۳	۲۶/۴	۱/۲	۵۷/۹	مشاغل سستی (مغازه‌داری)
۰/۰	۱/۷	۰/۰	۲/۸	۰/۰	۵/۸	سرمایه‌داری
۰/۰	۴/۵	۰/۳	۰/۰	۰/۰	۱/۲	موارد دیگر
مالکیت:						
—	۳۴/۴	—	۸۶/۸	—	۸۹/۰	شخصی
—	۶۳/۶	—	۱۳/۲	—	۱۱/۰	اجاره‌ای

بر خلاف نسل اول و دوم، در نسل سوم درصد بیسوادان ناچیز و کمتر از یک درصد برای مردان و ۴ درصد برای زنان می‌باشد. تعداد زیادی از جمعیت نمونه (بیش از ۶۰ درصد) دارای دیپلم و یا تحصیلات دانشگاهی هستند، این امر خود گویای تغییرات عمده از دیدگاه آموزشهای رسمی طی سه نسل می‌باشد که از یک سو می‌تواند نشان‌دهنده آموزش رایگان به خصوص توسعه تحصیلات عالی رایگان در جامعه باشد و از سوی دیگر گرایش بخش عمده‌ای از افراد جامعه به خصوص زنان را به کسب تحصیلات عالی نمایان می‌سازد. همچنین این گرایش می‌تواند به مفهوم اعتماد و اطمینان بخش وسیعی از جمعیت به خصوص بخش سنتی به سازمانهای بوروکراسی و به خصوص مراکز آموزش عالی تلقی گردد که سبب شده محدودیتهایی که احیاناً در سابق (قبل از انقلاب) خانواده‌ها برای فرستادن فرزندان دخترشان به مراکز آموزش متوسطه ایجاد می‌کردند دیگر وجود نداشته باشد.

با توجه به وضعیت شغلی، بررسی نشان می‌دهد که در میان مردان نسل اول دارندگان مشاغل سنتی (مغازهداری، معاملات تجاری محدود، فعالیت کشاورزی، دامداری و...) و تا حدی مشاغل فنی نظیر آهنگری، مسگری و... بیشترین درصد را به خود اختصاص می‌دادند (۵۵/۴ درصد). تعداد شاغلان این نوع حرف در نسل دوم و سوم به حدود نصف کاهش می‌یابد. گروه کارگران ساده، غیر ماهر و مشاغل خرده‌پا با ۱۵/۴ درصد در رده دوم مشاغل در میان مردان نسل اول قرار دارند. گروه شغلی کارمندان متوسط، کارکنان عالی‌رتبه اداری و نظامی به ترتیب در میان نسل دوم و سوم به خصوص گروه کارکنان متوسط درصد بیشتری را نسبت به نسل اول به خود اختصاص داده‌اند که گویای توسعه دستگاههای اداری و دولتی و اهمیت آنها در جذب نیروی انسانی فعال در جامعه است. از نظر مشاغل بالاتر مانند سرمایه‌داران بزرگ، نسل اول بیشترین سهم را نسبت به سایر نسلها دارد (دو برابر نسل دوم و ۳/۵ برابر نسل سوم).

نکته عمده در رابطه با توزیع افراد سه نسل، اشتغال پایین زنان می‌باشد. همان طوری که آمار نشان می‌دهد کمتر از ۳ درصد زنان نسل اول شاغل بوده‌اند این درصد در نسل دوم و سوم به ترتیب به ۱۰ و ۱۷ درصد افزایش یافته است. بیشترین درصد

اشتغال زنان به گروه کارمندان در نسلهای دوم و سوم و به گروه مشاغل خرده‌پا در نسل اول اختصاص یافته است (جدول ۱).

با توجه به وضعیت مالکیت محل مسکونی، بررسی نشان می‌دهد که در میان خانواده‌های نمونه نسل اول، ۸۹ درصد مالک منازل مسکونی خود هستند و بقیه (۱۱ درصد) به صورت اجاره‌نشینی، یا به صورت ملحقیات خانواده و یا به طور رایگان در منازل اقوام و خویشان زندگی می‌کنند. در میان افراد نمونه نسل دوم ۸۶/۸ درصد منزل شخصی و ۱۳/۲ درصد اجاره‌ای دارند. در نسل سوم این نسبتها به مقدار زیادی معکوس شده است و فقط ۳۴/۴ درصد منزل شخصی دارند و ۶۳/۶ درصد به صورت اجاره‌ای و یا در منزل اقوام و خویشاوندان و والدین زندگی می‌کنند. از دلایل پایین بودن تعداد مالکان منازل مسکونی در نسل سوم، صرف‌نظر از شرایط نامساعد اقتصادی و محدودیت امکانات زیست به جمعیت متقاضی، می‌توان به عواملی چون آغاز سنین فعالیت اقتصادی و عدم توان خرید مسکن در آغاز زندگی را اشاره کرد. در شرایط دشوار اقتصادی مانند مشکلات اشتغال، تورم بالا و عدم تطابق درآمد خانوار با هزینه‌اش، خانواده نوپا و جوان تحت حمایت خویشاوندان و خانواده قرار می‌گیرند. این امر می‌تواند یکی از علل وابستگی جوانان به والدین و خویشاوندان تلقی گردد که خود می‌تواند تبعیت این نسل را در اجرای برخی از سنتها و آداب و رسوم مورد احترام بزرگان خانواده و فامیل توجیه نماید.

چهارمین مجله علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲- پابندی به آداب و رسوم

به‌طور کلی رسم به «رفتار یا عملکردهای اجتماعی غیر فنی و گروهی مربوط می‌شود که یادگیری آن سنتی است و فرد آن را چنان عادت انجام می‌دهد» (۴/ ص ۵۱۲). مراسم و یا رسم آیینی را می‌توان «احساسات مشترک و نگرش‌هایی تعریف نمود که در موقعیت‌های مناسب و خاصی به مرحله عمل در می‌آیند و سرشتی نمادین دارند...» (۴/ ص ۴۳۷).

آداب و رسوم در این مطالعه در دو گروه عمده بررسی شده‌اند:

الف - گروهی که رعایت و پابندی به آنها تضمین‌کننده نوعی تأمین مالی و امنیت اقتصادی و دارای مشخصه حمایتی می‌باشد مانند تعیین مهریه و شیربها، خرید جهیزیه، خرید عروسی، مجلس پاتختی و تهیه سیسمونی.

ب - گروهی دیگر که جمع شدن افراد فامیل، اقوام و دوستان را در محافلی موجب می‌شوند که شادی و شادمانی را ایجاد می‌کند از قبیل بله‌بران، نامزدی، حنابندان، مجالس عقد و عروسی و تا حدودی مراسم حمام زایمان، مجلس نامگذاری نوزادان و ختنه‌سوران پسر.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در اکثر موارد اجرای آداب و مراسم ازدواج و پابندی به آنها طی نسلها افزایش پیدا کرده است (جدول ۲). بررسی تک‌تک متغیرها به‌صورت مجزا نشان می‌دهد که زوجها در نسل اول ۷۶/۴ و در نسل دوم ۵۳/۶ درصد قبل از عروسی همدیگر را ملاقات نکرده بودند. در نسل سوم ۳۵/۲ درصد با حضور خانواده و ۵۳ درصد با حضور فامیل همدیگر را ملاقات نموده بودند. گرایش در مورد «ملاقات بدون شرط و آزاد» در نسل سوم در مقایسه با دو نسل قبلی بیشتر شده است. با این حال ملاقات اکثر افراد نمونه در هر سه نسل در فاصله بین خواستگاری تا عقد به‌صورت مشروط انجام می‌گرفته است. بررسی روابط بین ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی افراد نمونه و متغیر «نمونه ملاقات زوجها» نشان می‌دهد که همه متغیرهای مستقل دارای همبستگی مثبت ولی در غالب موارد ضعیف با متغیر مستقل (نحوه ملاقات) می‌باشد. متغیرهای تحصیلات، محل تولد و شغل با متغیر «ملاقات» در هر سه نسل بیشتر به‌لحاظ آماری معنادار می‌باشد (جدول ۳). ارتباط نسبتاً ضعیف ولی مثبت این متغیرها بیانگر این واقعیت است که هر چند این متغیرها تأثیر مثبت دارند ولی در کل تعیین‌کننده نیستند.

داده‌های تحقیق گرایش مشابهی را در مورد مراسم عقد و عروسی نشان می‌دهد. در هر سه نسل بیش از ۹۰ درصد مراسم عقد و عروسی را برگزار کرده‌اند. با این حال مشاهدات میدانی آشکار نمود که گرایش به تفصیل برگزار کردن مراسم در نسل سوم قابل ملاحظه است. متغیرهایی چون تحصیلات، مالکیت و مستغلات به‌خصوص در نسل اول و دوم همبستگی ضعیفی با برگزاری مراسم و عقد و عروسی دارند. تأثیر اکثر

متغیرها، به‌خصوص منشأ جغرافیایی و اشتغال در نسل سوم ضعیف ولی معنادار می‌باشد (جدول ۳). دلایل همبستگی ضعیف را در نسل‌های اول و دوم می‌توان به پایین بودن سطح تحصیلات، درصد بیسوادی در این نسلها، درصد بیشتر شهرنشین و اشتغال در سطوح بالا در نسل سوم نسبت داد.

با توجه به متغیر مهریه، داده‌ها معلوم نمود که در نسل اول و دوم مهریه‌ها بر مبنای پول تعیین شده است، به‌طوری که ۸۲/۹ درصد در نسل اول و ۹۰/۳ درصد از نسل دوم مهریه خود را بر اساس پول قرار داده‌اند. این رقم در نسل سوم بسیار کاهش می‌یابد و به ۳۷/۴ درصد می‌رسد. بخش اعظمی از افراد این نسل (بیش از ۵۵ درصد) مهریه خود را سکه انتخاب کرده‌اند. از نکات قابل توجه به‌گزینه ملک مربوط می‌شود که بالنسبه در نسل اول بعد از پول، درصد بیشتری را به‌خود اختصاص داده است (۱۳/۴ درصد).

تغییرات عمده در اساس قرار دادن مهریه بر اساس پول، سکه و ملک بیانگر تحولات اقتصادی و تحولات ارزشی آنها در بین افراد نمونه بوده است که در نسل اول پول و ملک، در نسل دوم و در نسل سوم سکه مهمترین و در واقع با ثبات‌ترین ارزش تلقی شده است که خود عمیقاً تغییرات و نوسانات اقتصادی کشور در دهه‌های اخیر منعکس می‌نماید. از نظر تأثیر ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی افراد نمونه بر نوع مهریه، تفاوت چندانی دیده نمی‌شود همبستگی مثبت ولی ضعیف بیانگر این موضوع است. در بین متغیرهای مستقل منشأ جغرافیایی و اشتغال بیشترین تأثیر را (احتمالاً در تشریفات) شدن و زیاد بودن مهریه) داشته است.

از نظر رسم خرید، تفاوت اساسی در بین سه نسل دیده نمی‌شود و در هر سه نسل: افراد نمونه به‌طور مختصر یا مفصل اقدام به خرید عروسی کرده‌اند. با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهد که گرایش در نسل دوم و سوم برای اجرای این رسم بیشتر شده است (جدول ۲). هر چند همبستگی ضعیفی بین ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها و رسم خرید دیده می‌شود که به‌مفهوم تأثیر اندک این متغیرهاست. با این حال داده‌ها نشان می‌دهد که توانمندان (که در این تحقیق متغیرهای مالکیت و مستغلات و مشاغل بالا به‌عنوان معرف آنها انتخاب شده‌اند) اقدام به خرید و به‌خصوص خرید مفصل نموده‌اند.

جدول ۲- توزیع جمعیت بر حسب نسل و پابندی آنان به آداب و رسوم ازدواج

سوم	دوم	اول	نسل آداب و رسوم
۲۱/۳	۵۳/۶	۷۶/۴	ملاقات عروس و داماد از خواستگاری تا عقد: - همدیگر را ملاقات نکرده‌اند - با حضور خانواده و فامیل آزادانه ملاقات کردند - آزادانه و بدون شرط ملاقات کردند
۵۳/۰	۳۵/۲	۱۸/۸	
۳۶/۶	۱۱/۲	۴/۸	
			مهریه:
۳۷/۴	۹۰/۳	۸۲/۹	پول
۱/۰	۲/۹	۱۳/۴	ملک
۵۵/۹	۲/۴	۳/۰	سکه
۵/۷	۱/۳	۰/۳	پول و سکه
۰/۰	۲/۹	۰/۶	پول و ملک
۸۴/۸	۵۸/۷	۵۹/۶	حنابندان، نامزدی و بله‌بران (داشته)
۹۶/۷	۹۳/۰	۹۴/۰	مراسم عقد و عروسی (داشته)
۲۸/۵	۴۴/۶	۴۵/۷	شیربها (داشته)
۹۵/۵	۹۹/۷	۸۳/۰	خرید (داشته)
۸۳/۶	۶۸/۵	۶۴/۱	پاتختی (داشته)
۹۴/۱	۹۰/۹	۸۹/۴	جهیزیه (داشته)
۷۳/۷	۶۶/۵	۵۴/۰	سیسمونی (داشته)

از بررسی متغیرهایی چون پاتختی و جهیزیه و سیسمونی می‌توان نتایج مشابه فوق را مشاهده نمود. برای مثال ۶۴/۱ درصد افراد نمونه در نسل اول، ۶۸/۵ در نسل دوم ۸۳/۶ درصد در نسل سوم مراسم پاتختی را برگزار کرده‌اند. نزدیک به ۹۰ درصد

در نسل اول و بیش از ۹۰ درصد در نسل دوم و سوم، جهیزیه برای دخترانشان تهیه کرده بودند، هر چند این جهیزیه ممکن است مختصر بوده باشد. از نظر سیسمونی، ۵۴ درصد در نسل اول، ۶۶/۵ درصد در نسل دوم و ۷۳/۷ درصد در نسل سوم برای تولد اولین فرزندشان سیسمونی تهیه کرده بودند. هر چند ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای در اجرای این مراسم ندارد و در همبستگی ضعیف آنها با نسل سوم منعکس شده است، ولی تحلیل داده‌ها آشکار می‌سازد که تأثیر متغیرهای مالکیت و مستغلات، منشأ جغرافیایی، اشتغال به‌خصوص در نسل سوم نسبتاً افزایش یافته است. شاید بتوان گفت آنهایی که محل تولدشان شهر بوده و دارای سطوح بالای شغلی و نسبتاً ثروتمند هستند تمایل زیادی به برگزاری مفصل‌تر این مراسم دارند.

برگزاری مراسم حمام زایمان، نامگذاری کودک، ختنه‌سوران پسران از جمله آدابی است که برای تولد اولین فرزند انجام می‌شده است. با وجود این، بررسی نشان می‌دهد که بر خلاف اکثر متغیرهای ذکر شده، درصد کسانی که این رسوم را به‌جا می‌آورند طی سه نسل کاهش یافته است (جدول ۱).

شاید دلیل عمده این کاهش، حذف و یا تحول اساسی در عناصر نگه‌دارنده آنها بوده است. توضیح اینکه امروزه فرزندان بر خلاف گذشته، که بزرگترها را برای انتخاب اسم نوزادانشان دعوت می‌کردند، خودشان به‌صورت مستقل عمل می‌کنند. همین طور اکثر نوزادان پسر در بیمارستان و یا در مطب پزشکان ختنه می‌شوند و دیگر چندان نیازی به گرد هم آمدن فامیل و اجیر کردن دلاک حمام محله برای این کار وجود ندارد. همین طور امروزه در اکثر منازل حمام وجود دارد و نیازی به دعوت بزرگترها و بردن مادر و نوزاد به همراه بزرگترها به حمام، که نوعی آموزش نیر برای مادران بوده است احساس نمی‌شود یعنی شرایط اجتماعی جدید کارکرد این رسوم را ناچیز کرده است..

۳- نظر پاسخگویان نسبت به اجرای آداب و رسوم ازدواج

نکته جالبی که در این بررسی آشکار شد به شکاف بین دیدگاه و جهت نظر افراد نمونه و عمل آنها به آداب و رسوم به‌خصوص به شکل مفصل و تشریفاتی آن مربوط می‌شود. اکثر آنها اعتقادی به اجرای این آداب و رسوم نداشتند، ولی فشار و اجبار اجتماعی باعث شده که حداقل بسیاری از آداب و رسوم در بین آنها رایج و حتی به‌صورت

ادامه جدول ۳

ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی	نسل اول				نسل دوم				نسل سوم			
	تحصیلات	مالکیت و مستغلات	منشأ جغرافیایی	اشتغال	تحصیلات	مالکیت و مستغلات	منشأ جغرافیایی	اشتغال	تحصیلات	مالکیت و مستغلات	منشأ جغرافیایی	اشتغال
حمام زایمان	۰/۰۳۱	۲۵۰/۰	۳۵۰/۰	۸۸۰/۰	۱۶۰/۰	۸۸۰/۰	۶۱۰/۰	۷۰۰/۰	۵۰۰/۰	۸۸۰/۰	۶۰۰/۰	۵۳۰/۰
سیسونی	۶۵۰/۰	۷۸۰/۰	۸۸۰/۰	۸۸۰/۰	۵۶۰/۰	۸۱۰/۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰	۵۸۱/۰	۵۰۶/۰	۸۶۰/۰	۶۸۱/۰
پاتختی	۶۰۱/۰	۱۳۸/۰	۶۰۱/۰	۰۶۳/۰	۰۸۳/۰	۳۱۰/۰	۶۸۱/۰	۵۱۱/۰	۰۸۱/۰	۸۶۰/۰	۷۳۱/۰	۵۴۰/۰
داشمن جهیزیه	۰/۰۲۳	۱۸۱/۰	۵۵۰/۰	۳۸۸/۰	۳۳۰/۰	۶۸۱/۰	۸۳۰/۰	۸۱۱/۰	۳۰۳/۰	۱۶۰/۰	۰۸۳/۰	
آداب و رسوم	۰/۰۱۵	۰/۰۴	۳۵۰/۰	۵۳۰/۰	۸۸۱/۰	۰/۰۴	۷۸۰/۰	۸۸۱/۰	۶۸۰/۰	۱۰۰/۰	۰/۰	
ویژگیهای اقتصادی	۰/۰۳۸	۳۲۰/۰	۱۰۸/۰	۰۰۰/۰	۶۸۸/۰	۰/۰۴	۸۸۰/۰	۰۰۰/۰	۸۸۰/۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰	
اجتماعی	۰/۰۳۱	۲۵۰/۰	۳۵۰/۰	۸۸۰/۰	۱۶۰/۰	۸۸۰/۰	۶۱۰/۰	۷۰۰/۰	۵۰۰/۰	۸۸۰/۰	۶۰۰/۰	

جدول ۳- توزیع افراد نمونه بر حسب همبستگی ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی افراد نمونه و اجرای آداب و رسوم به نسل

ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی	نسل اول				نسل دوم				نسل سوم			
	تحصیلات	مالکیت و مستغلات	جغرافیایی منشأ	اشتغال	تحصیلات	مالکیت و مستغلات	جغرافیایی منشأ	اشتغال	تحصیلات	مالکیت و مستغلات	جغرافیایی منشأ	اشتغال
شیربها	۸۸۳/۰	۳۶۸/۰	۸۸۰/۰	۱۰۰/۰	۸۱۰/۰	۷۰۳/۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰	۷۰۳/۰	۵۶۸/۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰
	۶۱۰/۰	۸۱۰/۰	۷۰۱/۰	۷۸۱/۰	۷۳۱/۰	۸۱۰/۰	۳۰۸/۰	۰۰۵/۰	۸۱۰/۰	۶۳۰/۰	۲۷۸/۰	۰۳۸/۰
مهریه	۷۰۳/۰	۳۱۰/۰	۶۳۱/۰	۱۰۰/۰	۸۱۰/۰	۷۰۳/۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰	۷۰۳/۰	۵۶۸/۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰
	۸۱۰/۰	۵۶۸/۰	۳۷۰/۰	۷۸۱/۰	۷۳۱/۰	۸۱۰/۰	۳۰۸/۰	۰۰۵/۰	۸۱۰/۰	۶۳۰/۰	۲۷۸/۰	۰۳۸/۰
عقد و عروسی	۸۶۸/۰	۵۶۱/۰	۱۱۷/۰	۳۶۰/۰	۶۰۱/۰	۶۷۷/۰	۳۵۰/۰	۰۰۰/۰	۶۶۱/۰	۶۵۰/۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰
	۰۳۰/۰	۷۳۰/۰	۶۸۰/۰	۸۶۰/۰	۳۷۰/۰	۱۵۰/۰	۳۰۷/۰	۰۰۵/۰	۶۳۰/۰	۳۰۱/۰	۵۶۸/۰	۳۷۸/۰
مراسم ختناندان، نامزدی و پدیدارن	۸۸۳/۰	۱۰۳/۰	۰۰۰/۰	۰۶۰/۰	۱۸۸/۰	۶۳۰/۰	۳۰۰/۰	۳۰۰/۰	۶۳۰/۰	۸۰/۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰
	۸۱/۰	۸۱۰/۰	۵۱۸/۰	۵۶۰/۰	۷۳۰/۰	۰۰۱/۰	۰۱۸۰/۰	۱۸۷/۰	۸۰۷/۰	۸۶۸/۰	۸۶۸/۰	۸۶۷/۰
با همسر	۲۰۰/۰	۸۰۷/۰	۱۸۱/۰	۰۳۱/۰	۰۰۰/۰	۶۵۷/۰	۳۸۰/۰	۶۱۰/۰	۰۰۰/۰	۵۵۷/۰	۰۰۰/۰	۸۶۰/۰
نخوة ملاقات	۳۸۱/۰	۷۵۰۰۰/۰	۸۵۰/۰	۷۸۰/۰	۶۸۱/۰	۷۴۰/۰	۱۸۰/۰	۶۵۷/۰	۳۸۸/۰	۱۵۰/۰	۰۳۳/۰	۸۷/۰
آداب و رسوم	تحصیلات	مالکیت و مستغلات	جغرافیایی منشأ	اشتغال	تحصیلات	مالکیت و مستغلات	جغرافیایی منشأ	اشتغال	تحصیلات	مالکیت و مستغلات	جغرافیایی منشأ	اشتغال

ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی	نسل اول				نسل دوم				نسل سوم			
	تخصیلات	مالکیت و مستغلات	منشأ جغرافیایی	اشتغال	تخصیلات	مالکیت و مستغلات	منشأ جغرافیایی	اشتغال	تخصیلات	مالکیت و مستغلات	منشأ جغرافیایی	اشتغال
آداب و رسوم	۰/۰۳۱	۰/۳۱۰	۰/۰۳۱	۰/۰۵۰	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱
نامگذاری کودک	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱
خسته سوران	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳
	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸

جدول ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب نگرش آنان به آداب و رسوم

گزینه‌ها	آداب و رسوم											
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
موافق است (ساده باشد)	۳۸/۱	۷۸/۵	۶۱/۲	۶۳/۸	۷۳/۸	۷۱/۸	۱۵/۱	۷۱/۸	۶۸/۷	۷۳/۸	۸۷/۵	۸۵/۳
موافق است (مفصل باشد)	۶۰/۳	۱۸/۱	۳/۵	۱۶/۱	۱۶/۱	۱۳/۱	۱۰/۲	۱۰/۲	۶/۸	۵/۱	۸/۵	۸/۵
اگر پول باشد مخالف	۳/۱	۱/۸	۳/۸	۵/۸	۳/۸	۳/۸	۳/۸	۳/۸	۱/۸	۱/۸	۱/۸	۱/۸

مفصل‌تر اجرا شود. مثلاً در مورد نحوه آشنایی دختر و پسر برای تصمیم‌گیری قبل از ازدواج، تحقیق نشان می‌دهد که ۴۷/۸ درصد پاسخگویان عقیده دارند که از طریق رفت و آمدهای خانوادگی (البته با نظارت خانواده‌ها)، دختر و پسر می‌توانند با یکدیگر شناخت بیشتری پیدا کنند. نزدیک به ۳۰ درصد معتقدند که آنها باید قبل از ازدواج خودشان به تنهایی با هم رفت و آمد داشته باشند و یا با هم ملاقات و صحبت کنند تا برای زندگی آتی خود تصمیم بگیرند (جدول ۴).

اکثر (۷۸/۹ درصد) پاسخگویان موافق خواستگاری هستند ولی خواهان حذف تشریفات زاید این‌گونه مراسم می‌باشند. در مورد آداب و رسوم نظیر شیربها، حمام زایمان، نامگذاری کودک و ختنه‌سوران درصد پاسخگویانی که مخالف این مراسم‌اند فراوان هستند (به ترتیب ۷۴/۹، ۴۲/۴، ۳۹/۴، ۴۳/۵ درصد)، در بقیه رسوم اکثر قریب به اتفاق پاسخگویان موافق برگزاری آنها بودند و تأکید داشتند که این برگزاری در صورتی که ساده باشد و فشاری متوجه زوج نکند، باعث استحکام خانواده‌های نوپا خواهد شد. برای مثال ۷۳/۹ درصد موافق برگزاری عقد و عروسی (به صورت ساده) هستند و ۷۱/۶ درصد عقیده دارند که باید مهریه، مشروط به اینکه سنگین نباشد، معین شود. ۷۱ درصد خرید عروسی به‌طور ساده را مناسب می‌دانند و ۶۷/۷ درصد موافق برگزاری پاتختی هستند. ۷۳/۴ درصد جهیزیه را در حد نیاز ضروری می‌دانند و ۵۷/۳ درصد موافق سیسمونی (نه شکل مفصل آن) هستند.

خواننده می‌تواند فشار سنت و مدرنیسم بر افراد را مشاهده کند. فشار مدرنیسم که در نتیجه فرایند نوسازی و دگرگونی در افکار، عقاید و نگرشهای افراد حاصل گشته است در عقلانی نمودن مراسم ازدواج تبلور پیدا کرده است و فشار سنت در استمرار برگزاری رسوم و آداب مربوط به ازدواج (ولو به طور ساده) تجسم یافته است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد روند تغییرات خانواده، با تمرکز بر تهران طی سه نسل بررسی گردد. همان طوری که گفته شد تحولاتی که در روابط خانواده رخ می‌دهد یکی از معرفیهایی است که تغییرات در ساختار اجتماعی یک جامعه را نشان می‌دهد. از جمله

مؤلفه‌های بیان‌کننده تحولات در داخل خانواده، دگرگونی در برگزاری آداب و رسوم و به‌خصوص آداب و رسوم ازدواج می‌باشد. در این پژوهش سه محور مشخص بررسی شده است که مشتمل بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمعیت نمونه، پایایی و میزان پابندی به اجرای مراسم ازدواج و تولد اولین فرزند وجه نظر پاسخگویان نسبت به اجرای این مراسم هستند.

نتایج تحقیق نشان داد که طی سه نسل مورد بررسی، غالب آداب و رسوم ازدواج در زمینه اجرای مراسم خواستگاری، نامزدی، بله‌بران، حنابندان، عقد و عروسی، داشتن مهریه، رفتن به خرید عروسی، داشتن مراسم پاتختی، دادن جهیزیه به دختران و تهیه سیمونی برای تولد فرزند اول تداوم یافته و در برخی موارد مفصل‌تر شده است. بررسی همبستگی بین ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی افراد نمونه با توجه به میزان پابندی آنها به اجرای آداب و رسوم ازدواج نشان می‌دهد که هر چند همبستگی بین این افراد و در اکثر متغیرها ضعیف است ولی این رابطه مثبت می‌باشد. این امر از یک‌سو بیانگر این واقعیت است که افراد بدون توجه به پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان در طول سه نسل، این مراسم را اجرا می‌کردند و از سوی دیگر، آنهایی که دارای وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتر بوده‌اند این مراسم را بیشتر و مفصل‌تر به‌جا می‌آوردند. برای مثال افراد نمونه با منشأ شهری بیش از آنهایی که منشأ روستایی داشتند به مراسم و تشریفات ازدواج پابندی نشان داده‌اند و آنها که به‌لحاظ وضعیت اقتصادی (مالکیت و مستغلات) در سطح بالا قرار داشتند بیش از دیگران مراسم و سنتهای ازدواج را رعایت کرده‌اند.

اکثر پاسخگویان با اجرای آداب و رسوم ازدواج موافق بوده‌اند و آنها بیشتر به اجرای مشروط این مراسم (به شکل ساده آن) تأکید داشتند. این امر از یک جهت بر اجرای مراسم و از جهتی پرهیز از برگزاری تشریفاتی مراسم از نظر پاسخگویان تأکید می‌کند. در واقع نوعی تعارض عقلانی شدن و مراسم‌گرایی در دیدگاه و عمل افراد نمونه می‌توان مشاهده نمود. در حالی که تغییرات و تحولات اجتماعی طی دهه‌های گذشته وجه نظر افراد را دگرگون ساخته و باعث شده که افراد به ازدواج و مراسم آن به‌صورت عقلانی بنگرند، ولی هنوز جنبه‌های کندتغییری و یا تغییرناپذیری فرهنگ بر

اجرای مراسم پافشاری می‌کند که در واقع تأثیر نوگرایی (مدرنیسم) و دگرگونیهای اجتماعی را بر خانواده و ازدواج می‌توان ملاحظه نمود.

در مورد افزایش قابل توجهی پایبندی به مراسم ازدواج، به‌خصوص ازدواج و جنبه حمایتی آن، شاید بتوان به ماهیت تحولات بعد از انقلاب اسلامی اشاره کرد. بدین معنی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پدید آمدن شرایط جدید اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در کشور که طبیعتاً محدودیت‌های خاص دوران گذر از یک دوره غرب‌گرا به یک جامعه دینی‌تر را به‌وجود آورده است؛ همچنین مشکلاتی در رابطه با اشتغال، کسب درآمد و محدود شدن شیوه تفریحات و گذراندن اوقات فراغت و... پدید آمده است که جامعه بیش از گذشته به این مقوله توجه نشان دهد و به‌طریق مختلف از جمله از طریق اجرای آیین‌ها و آداب و رسوم که به لحاظ شرعی و قانونی مشروعیت و مقبولیت عامتری دارند به نیازهای خود پاسخ دهد.

مهم است که ذکر شود که در اکثر موارد آداب و رسوم یاد شده برای زوجهای جوان تقریباً هیچ مسؤلیت مادی ایجاد نمی‌کند فقط مخارج ضروری و فوری در برگزاری مراسم ازدواج هزینه‌های مجالس نامزدی، عقد، عروسی و نیز خرید عروسی را شامل می‌شود که در این‌گونه موارد نیز خانواده داماد و در مواردی نیز خانواده عروس و یا به‌صورت مشارکتی (به‌جای داماد) آن را تقبل می‌نمایند. در موارد معدودی نسل سوم نسبت به نسل اول و دوم پایبندی کمتری به آداب و رسوم نشان می‌دهد که می‌توان به مراسم حمام زایمان، نامگذاری کودک و ختنه‌سوران اشاره کرد که طی آن باید زحمات و هزینه‌های پذیرایی از مهمانان را تحمل کنند.

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت جامعه مورد بررسی جامعه‌ای است مناسک‌گرا و مراسم‌گرا در حوزه مراسم، آداب و مجالس جشن، شادی. این جامعه در فرایند نوگرایی قرار دارد و این خود مشخصه جدیدی معرفی می‌کند که بیشتر تحت تأثیر انطباق‌پذیری تغییرات دوران جدید می‌باشد.

منابع

- ۱- اعزازی، مشهد. *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید نقش بر ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، انتشارات روشنگران و مطالعات، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲- اینگلهارت، رونالد. *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته*، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۳.
- ۳- فوکویاما، فرانسیس. *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، انتشارات جامعه ایرانیان، تهران، ۱۳۷۹.
- ۴- گولد، جولیس. *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه محمدجواد مازندرانی، نشر مازیار، تهران، ۱۳۷۶.
- ۵- گیدنز، آنتونی. *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، ۱۳۷۴.
- ۶- گیدنز، آنتونی. *راه سوم بازسازی: سوسیال دموکراسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، چاپ اول، انتشارات شیرازه، تهران، ۱۳۷۸.
- ۷- میشل، آندره. *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*، ترجمه فرنگیس اردلان، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- ۸- مهدوی، محمدصادق. *بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۹- واگو، استفان. *درآمدی بر تئوریهای و مدل‌های تغییرات اجتماعی*، ترجمه احمدرضا غروری‌راد، ماجد، تهران، ۱۳۷۲.
- 10- Friedland. W.H. (1969). A Sociological Perspectives on Modernisation, in C.Moser etal, *Modrtnisation by Design: Social Change in the Twentieth Century*, Ny: Cornell University press.
- 11- Haralambos, M. H. (1991). *Sociology Themes and Perspectives*, Oxford University.
- 12- Katozian, H. (1980). *Political Economy of Modern Iran*, Oxford: Oxford University press.
- 13- Luke, T.W. (1990). *Social Theory and modernity Critique Dissent, a Revolution*, London: Sage Publications.
- 14- Sorokin, P.A. (1967). *Sociology of Revolution*, New York: Howord fertig.
- 15- Smelser, N.J (1964). Towards a Theory of Modernisation, in A. Etzoni and E.Etzoni (eds), *Social Change*, New York: Basic Books.
- 16- Smith, D.E (1965). *Religion and Political Development*, Boston: M.A: Little, Brown.